

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال هشتم، شماره بیستم، پاییز ۱۳۹۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۲/۱۶

تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۵/۱۴

صفحات: ۷-۳۸

بررسی عملکرد سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم در زمینه تامین

منافع ملی*

دکتر احمد ساعی

دانشیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه علوم سیاسی، ایران، تهران

فائزه هاشمی بهرمانی

دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه روابط بین الملل، ایران، تهران

چکیده

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سند چشم‌انداز و برنامه چهارم توسعه، مهمترین اسنادی بالادستی هستند که برای پژوهش بر سیاست‌های داخلی و خارجی ایران می‌توان از آنها بهره برد. از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران بیش از سه دهه لایه‌های متنوعی را در متن سیاست خارجی خود تجربه و ذخیره نموده است. هر یک از این لایه‌ها وقتی ارزش حقیقی خود را آشکار می‌کنند که با اسناد بالادستی موجود از بعد نظری و تشکیلاتی ارزیابی شوند. این پژوهش با توجه به این پیش فرض، قصد دارد متن سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم را با روش تحلیل گفتمان و نظریه سازه‌نگاری مورد سنجش قرار دهد.

کلیدواژگان

ایران، دولت‌های نهم و دهم، سیاست خارجی، گفتمان، سند چشم‌انداز، منافع ملی.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری روابط بین‌الملل فائزه هاشمی بهرمانی با عنوان «بررسی عملکرد سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم در زمینه تأمین منافع ملی» با راهنمایی دکتر احمد ساعی می‌باشد.

مقدمه

سیاست خارجی به عنوان ابزار اصلی تعامل حکومت‌ها با جهان، از مهم‌ترین عرصه‌های سیاستگذاری کلان برای تأمین منافع ملی تمامی ملت-دولت‌ها است. این عرصه حساس و حیاتی ملی، نه تنها شأن و اهمیت خود را در عصر جهانی شدن از دست نداده بلکه به واسطه گسترش روندهای جهانی و وابستگی‌ها و پیوستگی‌های متقابل، بر پیچیدگی آن افزوده شده است. در این میان کشورهای که از موقعیت ژئوپلتیک و ژئواکونومیک برجسته و حساسی برخوردارند، بیشتر نیازمند طراحی و اجرای سیاست خارجی منسجم و حساب شده برای تأمین منافع ملی و ارتقای جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی خویش هستند.

در همین راستا، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان کشوری که در صدد دستیابی به جایگاه اول منطقه‌ای در عرصه‌های اقتصادی، علمی و فناوری در یک افق بیست ساله است، ضرورتاً نیازمند یک سیاست خارجی داهیان، هدفمند و منافع محور است. با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران در یک دوره سی و سه ساله، تجربه‌های گوناگونی را در سیاست خارجی خود آزموده است، هنوز بسیاری از مسایل در خصوص تحولات موجود در این زمینه مغفول مانده است.

به نظر می‌رسد با بررسی رویه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت‌های نهم و دهم و ارزیابی عملکرد آن بر اساس اسنادی چون سند چشم‌انداز بیست ساله و برنامه چهارم توسعه می‌توان به متغیرهای مناسبی برای بررسی میزان موفقیت جمهوری اسلامی در عرصه سیاست خارجی دست یافت. در تقسیم بندی مسایل مطرح در تحلیل و بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با ارزیابی عملکرد دولت‌های نهم و دهم با محورهای گوناگونی مواجه هستیم که می‌توان آنها را در دو گروه متغیر وابسته و متغیر مستقل قرار داد. با توجه به روش و تئوری این پژوهش متغیر وابسته یکی از لایه‌های گفتمانی سیاست خارجی ایران است (یعنی سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم) است که در برش‌های عمودی و به روش هم زمانی تحلیل می‌شود تا از مطالعه آن میزان موفقیت متغیر وابسته در کسب منافع ملی و سایر متغیرهای مستقل چون توسعه، امنیت و... ارزیابی گردد.

سوال اصلی این تحقیق عبارت است از اینکه تا چه اندازه عملکرد سیاست خارجی دولت نهم و دهم تأمین کننده منافع ملی (امنیت و توسعه) بوده است؟ بر اساس فرضیه این تحقیق، سیاست خارجی

_____ بررسی عملکرد سیاست خارجی دولت های نهم و دهم در زمینه تأمین منافع ملی ◇

دولت‌های نهم و دهم در تأمین منافع ملی توفیق نیافته و گفتمانی که برای آن در نظر گرفته شده خارج از سند چشم‌انداز و سایر نصوص سیاست خارجی ایران است.

۱. مبانی نظری: ویژگی تحلیل و روش گفتمانی

گفتمان بیانگر ویژگی‌ها و خصوصیات تاریخی آنچه به بیان در آمده‌اند و آنچه مسکوت مانده‌اند است. گفتمان نه تنها مربوط به چیزهایی است که می‌توانند گفته یا درباره‌شان فکر شود، بلکه درباره این نیز هست که چه کسی، در چه زمانی و با چه آمریتی می‌تواند صحبت کند. گفتمان سازنده معنا و ارتباطات اجتماعی است، شکل دهنده ذهنیت، روابط سیاسی و نیز روابط قدرت است. در تحلیل گفتمان، تحلیل‌گر از نظریه‌های رایج برای تحلیل سطوح متعدد گفتمان استفاده می‌کند. او از بافت متن فراتر می‌رود و وارد بافت یا زمینه موقعیتی متن می‌شود. یعنی از یک طرف به روابط درون متن و از طرف دیگر به بافت‌های موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی می‌پردازد. تحلیل گفتمان می‌کوشد تا نه تنها نظام و آرایش فراجمله‌ای عناصر زبانی را مورد مطالعه قرار دهد، بلکه هم بافت و تار و پود یک متن و هم شرایط و موقعیت‌های فرا زبانی و یا غیر زبانی را موضوع تحلیل و تدقیق خود قرار می‌دهد. (برنر و فوکو، ۱۳۷۳: ۸)

ما در تحلیل گفتمان برخلاف تحلیل‌های سنتی زبانشناختی صرفاً با عناصر نحوی و لغوی شکل دهنده جمله به عنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا، یعنی بافت متن^۱ سروکار نداریم، بلکه فراتر از آن ما به عوامل برون زمانی یعنی بافت موقعیتی^۲، فرهنگی و غیره سروکار داریم. بنابراین تحلیل گفتمان «چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی [بافت متن]، واحدهای زبانی، محیط بلافصل زبانی مربوطه، کل نظام زبانی و نیز عوامل برون زبانی [بافت اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی] بررسی می‌کند. (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۱۰)

همچنین از گفتمان معانی دیگری چون عقیده عمومی، کردار اجتماعی^۳، نظام ساخت، فکر غالب ...

^۱ - Co-Text

^۲ - Context of Situation

^۳ - Social Practice

نیز اراده شده است که یکی از مهمترین معانی آن، گفتمان به مثابه روش است. در گفتمان به معنای روش ما با یک شیوه نوین تحلیل در عرصه علوم اجتماعی و سیاسی مواجهیم که درصدد بازگو کردن و نشان دادن معانی نهفته و پنهان متن و زمینه متن است. فوکو معتقد است تحلیل گفتمان در صدد کنار زدن ظواهر و پوسته‌های علوم اجتماعی و انسانی است تا به روی دیگر سکه این علوم برسد. (Foucault, 1979: 27)

الف. تعیینات گفتمان در این پژوهش

گفتمان را می‌توان در سطوح مختلف مورد بررسی قرار داد. می‌توان مانند فوکو در دیرینه‌شناسی و تبارشناسی دانش و یا مانند هابرماس در نقد مدرنیته، به تحلیل و بررسی گفتمان در وسیع‌ترین معنای قابل انتزاع پرداخت. در اینجا از تحلیل گفتمان به مثابه یک تکنیک مانند سایر تکنیک‌های تحلیل در علوم اجتماعی یاد می‌کنیم و تحلیل آن را در سطح کلان، کمتر مورد توجه قرار می‌دهیم. کنش‌ها، اقدامات و رفتار سیاست خارجی به وسیله رویه‌های اجتماعی و گفتمانها در داخل و خارج کشور ممکن و مقید می‌شوند. به بیان ریچارد اشلی، یک گزینه سیاست خارجی نوعی رویه اجتماعی و گفتمانی است که هم کشور را قادر می‌سازد و هم قوام می‌بخشد، و هم صلاحیت اجتماعی به رسمیت شناخته شده آن را تعریف می‌کند. همچنین مرزها و حدود آن را تعیین کرده و حوزه‌های سیاسی، اقتصاد داخلی و بین‌المللی رفتار و کردار را مشخص می‌سازد. به تبع آن، حوزه‌های مناسبی که در آن بازیگران مشخص و معینی ممکن است به رسمیت شناخته شده و به صورت شایسته عمل کنند را تعریف و تعیین می‌نماید. لذا کردار و رفتار سیاست خارجی بستگی به وجود رویه‌ها، پیشینه‌ها و پس‌زمینه‌های بین‌ذهنی و عناصر نمادین مشترک دارد. (Ashley, 1988: 53)

گفتمانها و رویه‌های گفتمانی تنها بازیگران و کشورها را محدود و مقید نمی‌کنند، بلکه در عین حال آنان را قادر و توانا نیز می‌سازند. چرا که اولاً، گفتمانها می‌توانند به صورت ابزار و منابع برای اعمال نفوذ و کسب قدرت به کار گرفته شوند. ثانیاً آنان از طریق تکوین بازیگران و کشورها، قدرت را بازتولید می‌کنند. با هویت‌های شناخته شده توسط گفتمانها است که کشورها و بازیگران قادر یا عاجز از نقش آفرینی در روابط بین‌الملل می‌شوند. برای نمونه توسعه و گسترش گفتمان «حقوق بشر» بسیاری از

_____ بررسی عملکرد سیاست خارجی دولت های نهم و دهم در زمینه تأمین منافع ملی ◇

کشورها و کارگزاری‌های بین‌المللی را قادر می‌سازد بر کشورهای مختلف اعمال قدرت نمایند. جمهوری اسلامی ایران نیز از طریق گفتمان «انقلاب اسلامی»، «اسلام‌گرایی» و «وحدت اسلامی» از هر دو نوع قدرت گفتمان بهره‌مند شده است. به‌گونه‌ای که در دوره‌هایی به صورت یکی از تأثیرگذارترین بازیگران در منطقه و جهان اسلام درآمده است. بحث رابطه گفتمان و قدرت از اولویت‌های مباحث این پژوهش نیست و تعامل ما با این مقوله، بعدی روش شناسانه دارد که در بررسی مراحل کلی تحلیل گفتمان روشن‌تر می‌گردد.

ب. مراحل کلی تحلیل گفتمان

همان‌طور که آمد، گفتمان را می‌توان در سطوح مختلف مورد بررسی قرار داد. اما توجه اصلی ما در این پژوهش معطوف به روش آن است. بنابراین به شرح زیر می‌توان مراحل تحلیل را صورت‌بندی کرد:

۱) الگوی نظری

نخستین شرط ضروری برای تحلیل گفتمان تعیین الگوی نظری است تا بر اساس آن بتوان فرضیه‌ها و متغیرهای خود را مشخص ساخت.

۲) نمونه

دیگر مرحله تحلیل گفتمان بر نمونه‌گیری استوار است. به اقتضای موضوع مورد بررسی محقق باید متن‌هایی را گردآوری کند تا بتواند مساله مورد بررسی را به نحو قابل‌تعمیمی تحلیل کند. انتخاب نمونه‌های مورد بررسی دقیقاً به موضوع بررسی مرتبط است، مثلاً اگر ما گفتمان‌های سیاست خارجی ایران را بررسی می‌کنیم، نیازمندیم به متون انتشار یافته در این حوزه مراجعه کنیم. این متون گستره‌ای رسمی و غیررسمی را شامل می‌شوند و همه نشریات دولتی و غیردولتی از جمله جراید و کتب در این عرصه قرار می‌گیرند.

۳) واحد تحلیل

واحد تحلیل در تحلیل گفتمان فراتر از کلمه است، بر حسب موضوع مورد بررسی و بر حسب متغیرها و شاخص‌های تحقیق، واحد تحلیل می‌تواند یک جمله، عبارت، بند، پاراگراف، صفحه، سرمقاله، مقاله، سخنرانی و... باشد.

۴) طبقه‌بندی مطالب جمع‌آوری شده

در این مورد با توجه به چارچوب نظری و متغیرها و شاخص‌های تحقیق، به سراغ منابع می‌رویم و مطالبی را که در ارتباط با موضوع و متغیرهای تحقیق هستند مطابق نمونه جمع‌آوری می‌کنیم. بعد از جمع‌آوری، مطالب را مطابق فرضیه‌های تحقیق در مقولات یا طبقات متفاوت دسته‌بندی می‌کنیم.

۵) پردازش داده‌ها

بعد از تمامی مراحل فوق بایستی با مراجعه به اصول و قواعد تحلیل گفتمان به تحلیل مطالب و داده‌ها پرداخته شود. این تحلیل می‌تواند ناظر بر چند سطح باشد، یعنی سطح توصیفی که صرفاً به تحلیل متن می‌پردازد، سطح تفسیری که به تحلیل فرآیندها می‌پردازد و سطح تبیینی که در واقع تحلیل اجتماعی است.

گفتمان دارای سطوح متفاوتی است. به همین دلیل، سطوح تحلیل نیز بایستی متفاوت باشند. اگر گفتمان را به منزله متن (اعم از گفتاری یا نوشتاری) در نظر بگیریم، سطح تحلیل، توصیفی (تحلیل متن)^۱ است، و اگر گفتمان را به منزله کنش متقابل بین فرآیند تولید و فرآیند تفسیر و متن در نظر بگیریم می‌توانیم رابطه جریان تولید متن و متن، و جریان تفسیر متن و متن را بررسی کنیم.

بنابراین سطح تحلیل ناظر به تحلیل فرآیندها یا تفسیر متن است، و اگر نهایتاً گفتمان را بافت یا زمینه کلی که متن در آن تولید و تفسیر شده، در نظر بگیریم، تحلیل، تبیینی و در عین حال اجتماعی است. چرا که این سطح تحلیل نه تنها ناظر به کردار گفتمان^۲ (کنش متقابل بین فرآیندهای گفتمانی تولید و تفسیر متن و متن) است بلکه به کردار اجتماعی و فرهنگی یا به عبارت بهتر به بافت و زمینه کلی متن معطوف است. در این سطح، متن ناهماهنگ، متضاد و متأثر از شرایط اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی است و با استفاده از دلالت‌های ضمنی متن، التزامها، پیش‌فرضها، تلقی‌ها، تداعی‌ها و معانی نهفته و پنهان متن کشف و بیان می‌شود.

از این رو همچنان که گفتمان را در سطوح متفاوت چون گفتمان به منزله متن، گفتمان به منزله کنش متقابل یا کردار گفتمانی و گفتمان در سطح اجتماعی مدنظر قرار می‌دهیم، همچنین روش تحلیل

^۱- Text Analysis

^۲- Discursive Practice

_____ بررسی عملکرد سیاست خارجی دولت های نهم و دهم در زمینه تأمین منافع ملی ◇

گفتمان را نیز به همین ترتیب می‌توان به سطوح متفاوت توصیف (زبان‌شناختی متن)، تفسیر روابط بین فرآیندهای تفسیری، تولید گفتمان و تبیین روابط بین فرآیندهای گفتمانی و فرآیندهای اجتماعی تقسیم کرد. (بهرام‌پور، ۱۳۷۸: ۶۱)

پ. الگوی نظری: مکتب سازه‌نگاری

در نوشته حاضر در مراحل تحلیل گفتمان جهت تعیین الگوی نظری، از تئوری مبتنی بر مکتب سازه‌نگاری^۱ سود خواهیم برد. مکتب سازه‌نگاری، بر اساس نظریه اجتماعی‌ای شکل گرفته که نزاعی با بنیانهای اصلی روابط بین‌الملل نداشته و در عین حال عقیده دارد که سیاست بین‌الملل در قالب جامعه بین‌المللی، و نه نظام بین‌الملل شکل می‌گیرد. سازه‌نگاران عقیده دارند که این جامعه بر اساس هنجارها و قواعد خاصی قرار دارد. مکتب سازه‌نگاری به این امر می‌پردازد که جریانهای تجربی روابط بین‌الملل، همگی هنجارها و قواعد را به عنوان معیارهایی برای منافع عقلایی دولت‌ها قلمداد می‌کنند (Walt, 1988:18) و این هنجارها و قواعد هستند که بر مبنای آنها منافع شکل می‌گیرند. هنجارها و قواعد اساس بازی بین‌المللی است و معین می‌کند چه بازیگرانی و با پیروی از چه قوانینی، نتایج مورد نظر عملی را در عرصه بین‌المللی پدید می‌آورند. به عبارت بهتر، هنجارها باعث نمی‌شوند تا دولت به عمل خود جهت خاصی بدهد، بلکه دلایل عقلانی را برای یک دولت فراهم می‌آورند تا بتواند عمل خود را به نحو بهتر انجام دهد. (Woods, 1997: 26)

مکتب سازه‌نگاری اعتقاد به تحول روابط بین‌المللی بر اساس تعامل میان سیاست بین‌الملل و سیاست داخلی دارد که در روند تعامل متقابل، جامعه بین‌المللی را تشکیل می‌دهند. بنابراین، این مکتب پل ارتباطی است بین آنانی که روابط بین‌المللی را «مجموعه‌ای از واقعیت‌ها» می‌دانند، و آنان که زندگی سیاسی - اجتماعی را در قالب حوزه بین‌المللی بحث می‌کنند.

در حالی که واقع‌گرایی و لیبرالیسم بر عوامل مادی نظیر قدرت و تجارت تأکید می‌کنند، رهیافت سازه‌نگاری بر دیدگاه‌ها، عقاید و تأثیر آنان تأکید دارد، یعنی عواملی که تأثیرات مادی آن به خودی خود

¹ - Constructivism

قابل مشاهده نیست. به عوض آنکه فرض کنیم دولت تنها به دنبال حفظ خود و زنده ماندن در عرصه هرج و مرج بین‌المللی (آناشیک) است، سازه‌انگاران به منافع و هویت دولت به عنوان بالاترین محصول یک پروسه تاریخی می‌نگرند. آنان توجه زیادی به ارجحیت گفتمانها در یک جامعه دارند، زیرا گفتمان، منافع و اعتقادات را پدید آورده و شکل می‌دهد، و هنجارهای رفتاری پذیرفته شده را ایجاد می‌کند. الکساندر ونت^۱ تعریف سازه‌انگاری را این‌گونه بیان می‌دارد:

سازه‌انگاری، تئوری ساختاری نظام بین‌الملل است که بر این موارد تأکید دارد:

(۱) دولت‌ها واحدهای اصلی در تحلیل سیاست بین‌الملل هستند.

(۲) ساختارهای کلیدی در سیستم دولت‌ها میان ذهنی هستند، نه مادی.

(۳) هویت و منافع دولت‌ها مساله بسیار مهمی است که توسط این ساختارهای اجتماعی ایجاد می‌شود، نه

به وسیله سیاست داخلی یا ماهیت انسانی. (Baylis and Smith, 1997: 124)

مکتب سازه‌انگاری در حقیقت نوعی راه میانه است بین رویکردهای عقلانی (واقع‌گرایی و لیبرالیسم) و رویکردهای توصیفی (پسانوگرایی، پساساختارگرایی و مکتب انتقادی) که راه جدیدی را برای تحقیقات نظری و عملی فراهم می‌کند. (راسخی، ۱۳۷۶: ۱۱۵۹)

ت. گفتمان به مثابه روش

برای توضیح تحلیل گفتمانی به مثابه یک روش در این پژوهش، از دستاوردهای نظری «ون دایک» استفاده شده است. (دایک، ۱۳۸۲: ۴۳) این گفتار برگرفته از کتاب «فرایند تحلیل گفتمان» است و تلاش شده است تا کاربرد روش‌شناسانه پژوهش به طور چکیده ارائه گردد. این روش را در یک گزاره کلان می‌توان چنین بیان کرد که با ایجاد برش‌های افقی و عمودی در سطح و عمق متن، معانی کلان و فوقانی ابتدا از طریق تجرید مؤلفه‌های متنی از یکدیگر، و سپس با بررسی ساختارهای خرد و کلان از لایه‌های مختلف متنی و فرامتنی در یک رابطه متقابل و همزمان تحلیل می‌شوند. در این روش یک متن را معمولاً به دو لایه سطحی و عمیق تقسیم می‌کنند. ظواهر ملموس، عینی

^۱ - Alexander Wendt

_____ بررسی عملکرد سیاست خارجی دولت های نهم و دهم در زمینه تأمین منافع ملی ◇

و قابل مشاهده از اصطلاحات تا ساختار جملات و ارتباط مابین بخش‌های مختلف گزاره‌ها که از طریق حروف ربط برقرار می‌شود، در لایه سطحی قابل مشاهده هستند. اما در عمق متن، ساختارهای جهان شمول و مشخص روایتی قرار دارند که از کیفیت عینی برخوردار نیستند و ماهیتی مجرد دارند. دو لایه فوق‌الذکر را اصطلاحاً لایه‌های متنی می‌نامند. در ورای این لایه‌ها، ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و همچنین دانش و نظام ادراکی مخاطب و مؤلف قرار دارد. هر لایه عمیق‌تر چارچوبی است که لایه فوقانی خود را در برمی‌گیرد. این مبحث در مطالعات گفتمانی معمولاً تحت عنوان رابطه متقابل «متن و چارچوب» توضیح داده می‌شود.

تحلیل گفتمان به عنوان یک روش تحقیق با دو نوع چارچوب رو به‌رو است: چارچوب‌های متنی و فرامتنی، رابطه متن با چارچوب‌های در برگیرنده رابطه‌ای نسبی است، یعنی آنچه متن یا چارچوب محسوب می‌شود، در شرایط مختلف و در لایه‌های متفاوت یک متن، متغیر است.

ساختارهای فرهنگی و اجتماعی، از جمله دانش مخاطب، چارچوبی را برای درک و توضیح چرایی مدل‌های روایتی جهان شمول یا ساختارهای روایتی حاکم بر یک متن مشخص فراهم می‌آورند، اما خود به وسیله حرکت تاریخی فرم‌اسیون‌های اقتصادی توضیح داده می‌شوند. به عبارت دیگر رابطه متقابل متن با چارچوب‌های در برگیرنده آن را می‌توان چنین توضیح داد که هر لایه عمیق‌تر از نظر ساختاری، چارچوبی برای درک لایه‌های فوقانی خود است. با این حساب ما دو چارچوب داریم: چارچوب‌های متنی و فرامتنی. چارچوب‌های متنی ماهیتی سبکی، نحوی و معنایی دارند، اما چارچوب‌های فرامتنی از ماهیتی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برخوردار هستند. اصلی‌ترین ابزار برای ربط متن و چارچوب‌های دربرگیرنده آن، یا ساختارهای خرد با ساختارهای کلان، «برش» است.

برش ابزاری است که تحلیل‌گر را قادر می‌سازد تا از یک سو به تجزیه یک لایه یا مشخصه از سایر لایه‌ها یا مشخصه‌ها اقدام کند و از سوی دیگر وی را در ایجاد ارتباط مابین مؤلفه‌های مختلف از سطوح متفاوت با یکدیگر یاری می‌دهد. به عبارت ساده‌تر «برش» در تحلیل متن دو کارکرد برعهده دارد، یکی تجزیه مؤلفه‌ها از یکدیگر و دیگری مرتبط ساختن مشخصه‌ها به یکدیگر است.

۲. برش‌های عمودی در متن سند چشم‌انداز و برنامه چهارم توسعه

با توجه به اینکه سند چشم‌انداز بیست ساله یکی از مهمترین اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی است و در تهیه و تدوین آن تنگناها و تهدیدات و ملاحظات اوایل انقلاب و جنگ ملحوظ نیست و می‌توان ایجاد آن را حاصل بلوغ و بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های ذهنی و عینی نظام دانست، متن موثق و مناسبی است تا با تحلیل گفتمانی آن در مرحله برش‌های عمودی، مقدمات بررسی فراهم آید. به عبارت دیگر، سند چشم‌انداز حائز دو متن پیشین، یعنی اندیشه‌های آیت‌الله خمینی و قانون اساسی جمهوری اسلامی است و هر کنش پژوهشی در آن به تبع متون یاد شده را پوشش می‌دهد. براین اساس در ضمن آوردن گوشه‌هایی از متن، مقاطعی از آن که در ارتباط با مطالعات ما قرار می‌گیرد، ذیلاً ارائه می‌گردد.

الف. گوشه‌هایی از سند چشم‌انداز

(۱) ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل.

(۲) امن، مستقل و مقتدر با سازمان دفاعی مبتنی بر بازاریابی همه جانبه و پیوستگی مردم و حکومت.

(۳) دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل.

(۴) الهام بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی.

ب. قانون برنامه چهارم توسعه

قانون برنامه چهارم توسعه نخستین برنامه اجرایی در چارچوب سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور محسوب می‌شود که کار تدوین آن در دولت اصلاحات در یازدهم آذر ۱۳۸۲ آغاز شد. این قانون در یازدهم بهمن ۱۳۸۳ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و از سال ۱۳۸۴ اجرای آن آغاز شد و

_____ بررسی عملکرد سیاست خارجی دولت های نهم و دهم در زمینه تأمین منافع ملی ◇

اصلی‌ترین اصل‌ها و بندها در ارتباط با سیاست و روابط خارجی در آن عبارت است از:

(۱) اصل ۲۸- ثبات در سیاست خارجی بر اساس قانون اساسی و رعایت عزت، حکمت و مصلحت و تقویت روابط خارجی از طریق:

الف) گسترش همکاری‌های دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی.

ب) ادامه پرهیز از تشنج در روابط با کشورها.

پ) تقویت روابط سازنده با کشورهای غیر متخاصم.

ت) بهره‌گیری از روابط برای افزایش توان ملی.

ث) مقابله با افزون‌خواهی و اقدام متجاوزانه روابط خارجی.

ج) تلاش برای رهایی منطقه از حضور نظامی بیگانگان.

چ) مقابله با تک قطبی شدن جهان.

ح) حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم و مستضعف به ویژه ملت فلسطین.

خ) تلاش برای همگرایی بیشتر میان کشورهای اسلامی.

د) تلاش برای اصلاح ساختار سازمان ملل.

(۲) اصل ۲۹- بهره‌گیری از روابط سیاسی با کشورها برای نهادینه کردن روابط اقتصادی، افزایش جذب منابع و سرمایه‌گذاری خارجی و فناوری پیشرفته و گسترش بازارهای صادراتی ایران و افزایش سهم ایران از تجارت جهان و رشد پرشتاب اقتصادی مورد نظر در چشم‌انداز.

(۳) اصل ۳۰- تحکیم روابط با جهان اسلام و ارائه تصویر روشن از انقلاب اسلامی و تبیین دستاوردها و تجربیات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جمهوری اسلامی و معرفی فرهنگ غنی و هنر و تمدن ایرانی و مردم سالاری دینی.

(۴) اصل ۳۱- تلاش برای تبدیل مجموعه کشورهای اسلامی و کشورهای دوست منطقه به یک قطب منطقه‌ای اقتصادی، علمی، فن آوری و صنعتی.

(۵) اصل ۳۲- تقویت و تسهیل حضور فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مجامع جهانی و سازمانهای فرهنگی بین‌المللی.

(۶) اصل ۳۳- تقویت هویت اسلامی و ایرانی ایرانیان خارج از کشور، کمک به ترویج زبان فارسی در

میان آنان، حمایت از حقوق آنان و تسهیل مشارکت آنان در توسعه ملی.

همان‌طور که در فصل پیش اشاره شد، منظور از «برش» نه تنها مجرد کردن یک لایه از لایه‌های دیگر و یا یک (یا چند) مشخصه متنی در یکی از لایه‌های متن از سایر مشخصه‌های متن است، بلکه ایجاد ارتباط بین این لایه‌ها و مشخصه‌ها نیز از کاربردهای «برش» محسوب می‌شود. برای خروج از تجریدات محض، ابتدا آن مشخصه باید از سایر مؤلفه‌های متنی کاملاً جدا شود، سپس در مرحله بعدی تنها یکی از مشخصه‌های این لایه، از طریق تفکیک آن از سایر مشخصه‌های همین لایه، مورد بررسی قرار گیرد. برای رسیدن به این منظور، ابتدا برش افقی را برای مجرد کردن لایه مورد نظر خود از لایه‌های دیگر اجرا می‌کنیم. سپس با اجرای یک برش عمودی در ارتفاع لایه مورد بحث، می‌توان مشخصه‌ای از مشخصه‌های متن را به طور کاملاً مجرد مورد تحلیل در زمان قرار داد. (میرفخرایی، ۱۳۸۳: ۱۹)

ما برای اینکه بتوانیم در تحلیل خود تمامی لایه‌های متنی سیاست خارجی جمهوری اسلامی را پوشش دهیم، سند چشم‌انداز را در نظر گرفته و برش‌های عمودی را به‌منظور تحلیل در زمان انجام می‌دهیم. در لایه «سطح سطح» این متن می‌توان به برش مقاطعی مانند توسعه، هویت اسلامی و انقلابی، امن، مقتدر، دفاع و ... پرداخت و با بررسی آنها به عمق سطح، یعنی ساختارهای کلان رسید. این عمل چارچوب‌های کلان و خطوط اصلی ساختار یک متن مشخص را ترسیم می‌کند. در این سطح از تحلیل قصد بر آن نیست تا دلیل طرح مباحث توضیح داده شود، بلکه هدف تحلیل‌گر، مجرد کردن مطالبی است که در متن مطرح گردیده است. برای اینکه از ادبیات سیاست خارجی عدول نکنیم، لازم است مقاطعی مثل هویت اسلامی و انقلابی، مقتدر یا امن را در زانر اصلی و جهان‌شمول سیاست خارجی یعنی ایدئولوژی، اقتدار ملی و امنیت بررسی کنیم.

پ. ایدئولوژی

در حقیقت اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی نشأت گرفته از آرمانهای انقلاب می‌باشد و در چارچوب حاکمیت مکتب و آنچه را که به‌عنوان سیاست «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» شهرت یافته است، می‌توان جستجو کرد. از آنجایی که عامل ایدئولوژی مخصوصاً برای کشورهایی که

_____ بررسی عملکرد سیاست خارجی دولت های نهم و دهم در زمینه تأمین منافع ملی ◇

دارای اهداف و دیدگاه‌های مافوق ملی هستند نقش بسیار مهمی در اعمال سیاست خارجی آنها دارد، لذا چنانچه بخواهیم اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی را تعیین کنیم، عامل ایدئولوژی به‌عنوان چارچوب اصلی نظری و تولید کننده هویت اسلامی و انقلابی باید مورد استفاده قرار گیرد. (محمدی، ۱۳۷۷: ۲۵)

ایدئولوژی دارای کارکردهایی است، از جمله می‌تواند باعث تقویت روحیه ملی شود. ایدئولوژی در صورت وجود اختلاف‌های فرهنگی، نژادی و قومی، عاملی وحدت دهنده و یکپارچه کننده به‌شمار می‌رود. در چهارچوب سیاست خارجی، ایدئولوژی یک قالب ذهنی از لحاظ شیوه نگرش نسبت به جهان فراهم می‌آورد و بالاخره این عنصر تشکیل دهنده قدرت، معیارها و ضوابط مشخص و معینی در اختیار سیاستگذاران قرار می‌دهد تا بر اساس آن چارچوب هدف‌ها و منافع ملی خویش را ترسیم کنند. ضمناً ایدئولوژی می‌تواند اصول و معیارهایی در اختیار عامه مردم قرار دهد تا بر مبنای آن، هر گونه انحراف و تغییر جهت مغایر با اصول پذیرفته شده را مورد قضاوت قرار دهند.

برخورداری یک دولت از یک ایدئولوژی خاص، به تنهایی نمی‌تواند نقش مؤثری در افزایش قدرت آن داشته باشد، بلکه نحوه بهره‌گیری از این عنصر در بالابردن روحیه ملی و تجهیز منابع و امکانات و یا تحقیر ملت‌ها حائز اهمیت است، برای مثال می‌توان به نقش ایدئولوژی در خلال جنگ ایران و عراق، انقلاب الجزایر و جنگ ویتنام اشاره کرد.

ت. اقتدار ملی

واژه اقتدار از واژه لاتین Actoritas گرفته شده که خود آن مشتق از واژه Auctor به معنای Auteur یا مؤلف است. پس در اندیشه اقتدار نوعی فکر تولید مستتر است، در حالی که از سوی دیگر، واژه «مقتدرانه»^۱ را برای توصیف یک شخص یا یک دستگاه سرکوبگر به کار می‌برند. (مورو، ۱۳۷۵: ۴۶-۴۵) در جامعه شناسی معاصر، اصطلاح اقتدار اغلب بدون آنکه وضوحی داشته باشد برای اشاره به نفوذی به کار می‌رود که از طرف دستگاه‌های هدایت کننده اعمال می‌گردد. قدرت سیاسی ناشی از گسیختگی

^۱ - Autoritaire

در مبادله اجتماعی است، و اگر اقتدار به این گسیختگی مشروعیت ببخشد، در آن صورت، قدرت اجتماعی به قدرت سیاسی تبدیل می‌شود. اقتدار، یعنی تأیید و تصدیق نظام ارزش‌ها و نظام ارزشی را به‌عنوان معیار و ملاک به شمار آوردن. (کلمن، ۱۳۷۷: ۱۰۸)

اقتدار ترکیبی از «قدرت» و «مشروعیت» است. به بیان دیگر، چهره مقبول و مشروع قدرت را اقتدار می‌نامند. کنشگر هنگامی در قلمرو کنش بر دیگری اقتدار دارد که حق کنترل کنش‌های دیگری را در آن قلمرو داشته باشد. (دوئرتی و فالترگراف، ۱۳۷۶: ۷۱۹)

بدون تردید شرط اولیه توفیق در اجرای برنامه‌های سیاست خارجی فعال و مؤثر، برخورداری از اقتدار ملی می‌باشد. اقتدار ملی هم جنبه مادی و هم جنبه معنوی دارد، هم سخت‌افزاری و هم نرم‌افزاری است.

در بعد نرم‌افزاری و از جنبه اجتماعی می‌توان به عوامل زیر در جهت افزایش اقتدار ملی توجه نمود:

(۱) اجماع عمومی و ملی

(۲) تفاهم و یکپارچگی در سطح دولتمردان

(۳) هماهنگی در تصمیم‌گیری

اجرای سیاست تعامل سازنده نیاز به فراهم نمودن سازوکار و ابزار اجرایی در سطح ملی و در بعد سخت‌افزاری نیز دارد. دو حوزه نظامی و اقتصاد در زیر می‌آید.

(۱) حوزه نظامی

آمادگی نیروهای مسلح برای مقابله با تهاجم احتمالی دشمن نه تنها بازدارنده است، بلکه موجب وارد آوردن ضربه به مهاجم خواهد بود.

(۲) حوزه اقتصاد

برنامه‌های عمومی و توسعه اقتصاد باید در قالب نگرش به موقعیت استراتژیک کشور و بهره‌برداری بهینه از این موقعیت تنظیم گردد. تنظیم روابط اقتصادی عموماً رابطه مستقیمی با تنظیم روابط سیاسی با کشورهای دیگر دارد. به عبارت دیگر هر اندازه روابط سیاسی با دولت‌های دیگر توسعه یافته و عمیق‌تر گردد، تحقق و عینیت یافتن آن را در توسعه و تعمیق روابط اقتصادی می‌توان مشاهده کرد. با توجه به مباحث فوق اکنون می‌توانیم به بنیادهای اقتدار ملی اشاره کنیم. یکی از منابع تأمین اقتدار ملی، آشنایی

_____ بررسی عملکرد سیاست خارجی دولت های نهم و دهم در زمینه تأمین منافع ملی ◇

با اهداف ملی است، چون بدون تدارک هدفی مشخص در عرصه ملی، ایجاد اقتدار منطقاً غیرممکن است.

ث. اهداف ملی

مقاصد و منظوره‌های بنیادی یک ملت که تمام سیاست‌ها به سمت آنها حرکت می‌کنند و تمام توأنها در جهت دستیابی به آنها به کار برده می‌شوند را اهداف ملی می‌نامند. اهداف ملی ماهیتاً ممکن است کوتاه مدت، میان مدت یا درازمدت باشند. محمد جواد لاریجانی که نقش کلیدی برای مفهوم «اهداف حیاتی نظام» در تعریف استراتژی ملی قایل است، در تبیین این اهداف به‌عنوان سرچشمه تمام مسایل مربوط به استراتژی ملی کشور ایران به نکات زیر اشاره می‌کند:

(۱) موقعیت ایران در جهان اسلام (ایران ام‌القری)

(۲) امنیت ایران (دفاع مؤثر)

(۳) آبادی ایران (توسعه) (لاریجانی، ۱۳۶۹: ۳۹)

به‌طور کلی اهداف سیاست خارجی باید به‌طور هماهنگ تنظیم شود تا تأمین منافع ملی تحقق پذیرد. برای مثال، تأکید بر امنیت ملی به مفهوم نادیده گرفتن پیشرفت‌های تکنولوژیک، توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و مسائل فرهنگی نیست، بلکه ضروری است آثار تخصیص منابع بیشتر برای امور نظامی بر سایر عوامل قدرت و اهداف ملی مورد توجه قرار گیرد و هم‌زمان، این متغیرها در ارتباط با سایر واحدهای سیاسی به‌دقت بررسی شوند. گاه دولت‌ها به‌رغم کوشش برای ایجاد نوعی توازن و هماهنگی میان اهداف سیاست خارجی، در وضعیتی قرار می‌گیرند که مجبورند به‌طور هم‌زمان دو یا چند هدف متعارض را تعقیب کنند. برای نمونه دولت چین در اوایل دهه ۱۹۷۰ با چنین ناسازگاری و تعارضی در اهداف ملی خود رو به‌رو بوده است زیرا رهبران این کشور از یکسو بر اصول و تعلیمات مارکسیسم-لنینیسم تأکید ورزیده‌اند و از طرف دیگر به‌سبب نیازهای مبرم تکنولوژیک و اقتصادی مجبور به برقراری روابط گسترده‌ای با غرب، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا بوده‌اند. (قوام، ۱۳۷۸: ۱۱۸)

بسیاری از محققین تفاوتی میان اهداف سیاست خارجی و منافع ملی^۱ قایل نیستند و در تعاریف خود

^۱ - National Interests

از منافع و اهداف ملی به صورت مترادف استفاده می‌کنند. دونالد نکتزلاین منافع ملی را عبارت از نیازها و آرمانهای پذیرفته شده یک کشور مستقل در ارتباط با سایر کشورها که به نحوی شامل محیط خارجی نیز بشود، می‌داند. از جمله منافع ملی، به نظر نویسنده فوق، منافع دفاعی، اقتصادی، نظم جهانی و ایدئولوژیک می‌باشد. در تعریف از منافع ایدئولوژیک، آن را حمایت و گسترش یک رشته از ارزش‌ها می‌داند که مردم یک کشور در آن سهیم شده و معتقدند که به طور کلی و جهانی مفید و صحیح است. (نکتزلاین، ۱۳۵۶: ۱۹۲)

ج. منافع ملی

در بیشتر موارد، اهداف و سیاست‌های دولت‌ها در چهارچوب منافع ملی مطرح می‌شوند. گاه واژه منافع ملی به حدی گنگ و مبهم است که به آسانی نمی‌توان رابطه‌ای میان سیاست‌گذاری دولت‌ها و منافع ملی آنها برقرار کرد. در حالی که منافع ملی با قدرت ارتباط مستقیم دارد، مفاهیم «قدرت» و «منافع» هر دو دارای جنبه‌های ذهنی و انتزاعی نیرومندی هستند که با ارزش‌ها درآمیخته‌اند، از این رو به دشواری می‌توان معیارهای عام و کمیته‌پذیری برای سنجش و ارزیابی آنها به دست داد. گاه ادعا می‌شود که اصول منافع ملی ثابت و تغییرناپذیر است و طی یک دوره طولانی حتی با تغییر رژیم‌ها و نظام‌های حکومتی و دگرگونی‌های ارزشی به ندرت دستخوش تغییر می‌گردند.

در فرایند سیاست‌گذاری خارجی، تمامی نخبگان سیاسی به یک شکل و صورت، به منافع ملی نمی‌نگرند. دست کم می‌توان گفت که سطوح مختلف تصمیم‌گیری در خصوص اولویت‌ها و تقدم و تأخر عناصر منافع ملی برای همه یکسان نیست. از سوی دیگر در بررسی منافع ملی مانند اهداف ملی به سلسله مراتب منافع برمی‌خوریم، بدین معنا که معمولاً در هر دوره و عصری با اولویت‌های خاصی از منافع ملی دولت‌ها رو به رو می‌شویم و پس از گذشت زمان و تغییر اوضاع و احوال بین‌المللی، احتمالاً اولویت‌های جدیدی جایگزین اولویت‌های پیشین می‌شود.

از لحاظ سلسله مراتب منافع ملی، باید خاطر نشان کرد که آنچه از نظر دولت‌ها در درجه اول اهمیت قرار دارد و در شمار منافع اصلی آنها به حساب می‌آید، حفظ استقلال و تمامیت ارضی است. ولی همان‌گونه که اشاره شد، اول اینکه چه نوع مسائلی در عداد منافع معمولی یا حیاتی دولت‌ها به شمار

_____ بررسی عملکرد سیاست خارجی دولت های نهم و دهم در زمینه تأمین منافع ملی ◇

می‌رود، بستگی به شرایط و مقتضیات آن دولت و چگونگی جو بین‌المللی دارد. دوم، نباید انتظار داشت که تمامی دولت‌ها مسائل خاص و مشابهی را منافع عادی یا حیاتی خود تلقی کنند. سوم، ممکن است در وضعیتی خاص، موضوع‌های معینی به‌عنوان منافع اساسی ملی تلقی شوند و در وضعیت دیگر، مسائلی کاملاً متفاوت جایگزین آنها شوند. چهارم، از نظر سیاست‌گذاران و نخبگان سیاسی یک دولت، ممکن است اولویت‌های گوناگونی در سلسله مراتب منافع ملی مطرح شوند.

لازم به توضیح است که به‌رغم بهره‌گیری از واژه منافع ملی درباره تمام اقدامات سیاست خارجی، در برخی از موارد رفتارهای واحدهای سیاسی در صحنه سیاست بین‌الملل ارتباطی به منافع ملی آنها ندارد، بلکه اقدامات مزبور صرفاً از خواست‌ها و منافع گروهی یک اقلیت سرچشمه می‌گیرد که برای حفظ موقعیت خویش، آن را بر اساس منافع ملی توجیه می‌کنند. باید توجه کرد که منافع ملی دارای بار ارزشی است، یعنی ممکن است طرح استراتژی ویژه‌ای از سوی یک دولت با منافع بسیاری از دولت‌های دیگر واقع در آن منطقه در تعارض باشد. مثلاً ممکن است تحصیل منافع بیشتر از سوی یک دولت به‌منزله محدود کردن حوزه مانور قدرت دیگران تلقی شود. (قوام، پیشین: ۱۳۰-۱۲۳)

منافع ملی به‌رغم اینکه برآیند و نقطه گره تمامی منفعت‌های جزئی و فردی آحاد یک جامعه است، لکن بیش از آنکه متأثر از ترجیحات افراد صاحب منصب درون نظام باشد، متأثر از منافع و خیر متناسب با دولت و جامعه خاص است و بیشتر نوع رژیم و گفتمان مسلط در تعیین و تعریف آن نقش دارد تا افراد، اما باید در نظر داشت که «جامعه» به مثابه یک کل و تنها مقام مسئول برای بهبود خیر مشترک شهروندانش و تدارک ابزارهای مناسب برای نیل به هنجارهای مشترک، مطرح است. منافع جامعه، همان خیر مشترک است که نه توسط تعامل گروه‌های ذی‌نفع و نه با پاسخ‌های داده شده توسط اکثریت پاسخ‌دهندگان در نظرسنجی‌ها، بلکه از طریق ارزیابی عایدات اجتماع در رهگذر برنامه تحقق بهترین زندگی مشترک ممکن برای افراد تعیین می‌شود، چرا که وجود همین پیوندهاست که زمینه رشد و تعالی کلیه افراد جامعه را فراهم می‌آورد. (دبلیو کلینتون، ۱۳۷۹: ۷۲-۶۳)

ج. توسعه

چون در هر لایه افقی، واژه توسعه به عنوان یکی از اصولی‌ترین مؤلفه‌ها مطرح گردیده است، اکنون

می‌توانیم به این واژه در هویت کلی آن اشاراتی داشته باشیم. توسعه سیر تحول مفهومی و نظری گسترده‌ای داشته که بر اساس تجربه اروپاییان و تحولات اجتماعی در غرب، توسط نظریه پردازان علوم اجتماعی و سیاسی تبیین گردیده است. (موثقی، ۱۳۸۳: ۲۲۹-۲۲۷)

آمارتیا سن، برنده جایزه نوبل در اقتصاد در سال ۱۹۹۸ میلادی توسعه را یک فرایند بسط و گسترش آزادی‌های واقعی مردم می‌داند که رشد درآمد سرانه و صنعتی شدن تنها یک بخش از تعیین کننده‌ها برای گسترش آزادی‌های واقعی انسانها هستند و تعیین کننده‌های دیگر نظیر ترتیبات اجتماعی و اقتصادی (مثل تسهیلات آموزشی و مراقبت‌های بهداشتی) و نیز حقوق مدنی و سیاسی هم اهمیت دارند. (تیا سن، ۱۳۸۱: ۱۳) به نظر او، توسعه مستلزم کنار زدن و محو منابع اصلی اسارت و عدم آزادی است: فقر و نیز استبداد، فرصت‌های اقتصادی اندک و ضعیف و نیز محرومیت اجتماعی سیستماتیک، غفلت از تسهیلات عمومی و نیز عدم تساهل یا فعالیت بیش از حد دولت‌های سرکوبگر. (همان)

در واقع تحقق توسعه مستلزم وجود نگرشی مدرن در مدار مدرنیته و توسعه و سپس وجود حاملان و عاملانی در قالب نخبگان توسعه خواه، دولت ملی و توسعه خواه، بورژوازی ملی یا بخش خصوصی و کارآفرینان و نوآوران و گروه‌ها و طبقات مستقل و مولد می‌باشد. اما در افراد و جوامع ماقبل مدرن، ارزش‌ها و معیارهای عام مدرنیته و توسعه غالب نیست و «انسان» به‌عنوان «فرد» با حقوق و آزادی‌ها و حریم خصوصی و استقلال و عقل خودبنیاد و نقاد، تعین و جلوه‌ای ندارد و مالکیت خصوصی و بخش خصوصی و استقلال گروه‌ها و طبقات اجتماعی از دولت و رقابت و تولید و انفکاک ساختاری و کار کردن چندان اهمیت و اولویتی ندارند. در جوامع ماقبل مدرن به‌قول هشام شرابی، فرد در خانواده، قبیله، ایل و عشیره، فرقه و قومیت حل شده و گویا هرگز بالغ و مستقل نمی‌شود و باید تحت انقیاد پدر و بزرگتر، حاکم و خدایان باشد و در نظامی خدایگانی، در یک رابطه عمومی و سلسله مراتبی و یک طرفه و انفعالی و مونولوگی، به صاحب ولی، رئیس و پدر اقتدا نماید. در این جوامع فرد، طبقه، ملت و آگاهی مبتنی بر آنها اهمیت و اولویت نمی‌یابد. (شرابی، ۱۳۸۰: ۸۸-۷۷)

ح. امنیت

می‌توان امنیت را مقوله‌ای ذهنی دانست. چون تعریف امنیت و ترسیم عرصه و دامنه آن از یک سو

_____ بررسی عملکرد سیاست خارجی دولت های نهم و دهم در زمینه تأمین منافع ملی

پیوندی مستقیم و بزرگ با ذهنیت و درک نخبگان و مردم یک جامعه از آسیب پذیری و تهدید داشته و از طرف دیگر متأثر از پیش فرض‌های آنان در مقولاتی همچون «منافع ملی» «ارزش‌های ملی»، «مصالح»، «قدرت» و... است. از این منظر، امنیت اساساً پدیده‌ای عصری است و با بروز و ظهور متغیرها باز تعریف شده و قرائتی جدید از مدل‌های خود را طلب می‌کند.

مفهوم امنیت در سیر دگرگونی خود در زمینه‌ها و عرصه‌های متنوع و متعددی مورد استفاده قرار گرفته است. سیاست‌پیشگان، آن را به مثابه یک اصطلاح میانی و تحریک کننده و استراتژیست‌های نظامی آن را به منظور توصیف و تبیین اهداف یک خط مشی و راهبرد نظامی به کار گرفته‌اند. از جانبی دیگر، دانشمندان جامعه شناسی گاه از منظر یک مفهوم تحلیلی که عمدتاً به توانایی یک ملت در حمایت از ارزش‌های داخلی در مقابل تهدیدات خارجی رجوع می‌دهد، نگاه کرده‌اند. عده‌ای از نظریه پردازان با بهره جستن از این مفهوم، امنیت را همان «حفظ وضع موجود» دانسته و پاره‌ای دیگر آن را معادل «نفع ملی»، «قدرت نظامی» و «بقا» فرض کرده‌اند. (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۹-۳۴)

امنیت در بعد عینی، فقدان تهدیدات نسبت به ارزش‌ها، منافع و اهداف و در جهت ذهنی فقدان ترس از اینکه این بنیان‌های ملی (ارزش‌ها، منافع و اهداف) مورد هجوم (فیزیکی و غیرفیزیکی) واقع بشوند را مورد سنجش قرار می‌دهد. دو نکته‌ای که می‌توان به بحث امنیت با توجه به چشم‌انداز این تحقیق افزود عبارتند از:

- ۱) استراتژی‌های امنیت ملی: هیچ واحد ملی نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن استراتژی‌های امنیت ملی سایر کشورها و یا بازیگران در صحنه (ملی و فراملی) ترسیم گردند. به دیگر سخن، محیط تصمیم و تدبیر استراتژیک، کاملاً تحت تأثیر چالش منافع، دکترین و استراتژی‌های بازیگران مختلف می‌باشد. در نتیجه آن دسته از بازیگرانی که استعداد بیشتری در احصاء سویه‌ها و درونمایه‌های استراتژی‌های سایرین داشته باشند، امکان بیشتری برای تأمین منافع و تحقق اهداف خود دارند.
- ۲) از یک منظر کلان استراتژیک، «یک انس پیشگیری بهتر از یک پوند معالجه» است. به گفته مک کارتی «در اجرای عملکردهای واکنشی، استراتژی‌های مقابله با تهدیدات امنیتی باید به گونه‌ای طراحی و انجام شود که جلوی وقوع حوادث تکراری و پیدایش زمینه‌های مربوطه را بگیرد.» (روشه، ۱۳۷۹: ۷۶)

خ. بعد گفتمانی سند چشم‌انداز: توسعه‌گرایی

هرگاه قرار است که متنی مبنای یک عمل جمعی قرار گیرد و به گفتمانی غالب بدل گردد، در نخستین گام باید فهم مشترک جمعی نسبت به آن شکل گیرد تا در پرتوی آن، نخبگان، تصمیم‌سازان و مجریان با یکدیگر پیوند یابند. تلاش در جهت عنوان کردن بنیانهای مفهومی و مقاصد سند چشم‌انداز نیز در همین راستا قابل ارزیابی است.

از سوی دیگر توسعه ملی، هم زائیده روابط سنجیده و بخردانه در حوزه سیاست خارجی است و هم زمینه‌های تصمیم‌گیری داهیهانه در مناسبات بیرونی را فراهم می‌کند. افزون‌تر آنکه از رهگذر این فرآیند است که زمینه‌های شکل‌گیری یک دولت کارآمد که توانا به نقش‌آفرینی اجباری و مؤثر در معادلات و مناسبات خارجی باشد، تحقق می‌یابد و از این راه، کشور به توانمندی بیشتری در حوزه فراهم‌سازی امنیت ملی دست پیدا می‌کند. تلاش در جهت ساماندهی نوین سیاست ملی و ایجاد ساخت ذهنی مسلط متناسب با ضرورت‌های مفهومی و بنیادین قدرت در سطح ملی، به شکل‌گیری نوعی از درک، فهم و رفتار خارجی در کشور می‌انجامد که امکان پیگیری ارتقای جایگاه، با هدف قدرت نخست منطقه شدن را فراهم می‌آورد.

بر اساس درک همین شرایط و با نگاه به گفتمان توسعه محور، به منزله یک ضرورت و نه انتخاب است که جمهوری اسلامی دست به تدوین و تصویب «سند چشم‌انداز بیست ساله» زده است. در واقع «سند چشم‌انداز» سندی است که مسیر گذار کشور از وضع موجود- به عنوان کشوری در حال توسعه- به وضع مطلوب- یعنی کشوری توسعه یافته- را ترسیم می‌کند.

عناصر کلیدی که به آنها اشاره شد، یکبار دیگر در اینجا مورد تأکید قرار می‌گیرد:

(۱) تبدیل ایران از یک کشور در حال توسعه به یک کشور توسعه یافته طی ۲۰ سال

(۲) دستیابی ایران به رتبه نخست اقتصادی، علمی و فناوری در منطقه

(۳) تداوم الهام‌بخشی در جهان اسلام

(۴) عامل سازنده و مؤثر در نظام بین‌الملل

محورهای راهبردی گفته شده نشان می‌دهد که سند چشم‌انداز بیست ساله در صدد دستیابی به توسعه ملی پایدار در یک افق بلندمدت و در تعامل با نظام بین‌الملل است. به بیان دیگر در سند

_____ بررسی عملکرد سیاست خارجی دولت های نهم و دهم در زمینه تأمین منافع ملی ◇

چشم‌انداز، توسعه اقتصادی برون‌گرا که در تعامل با اقتصاد جهانی است شکل می‌گیرد و این، از ضروریات و بایسته‌های اساسی در نیل به توسعه ملی، بازسازی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور و در آخر شکل‌گیری دولت مقتدر ملی تلقی می‌شود.

در این میان آنچه مهم است، مفهوم «تعامل سازنده و مؤثر» و پیروی از آن و افزایش نقش و جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی کشور در ابعاد اقتصادی، سیاسی و تمدنی است. بی‌گمان انتخاب هوشمند گزینه تعامل، چهارچوب رفتاری و گفتاری ویژه‌ای در جهت ساختن منافع و اهداف ملی، فراروی کشور قرار می‌دهد. در این فضا، قدرت جریان‌سازی و تصمیم‌سازی از اولویت بالایی برخوردار است. به بیان بهتر، پایش و گسترش اهداف و منافع ملی از راه جریان‌سازی و تصمیم‌سازی آگاهانه در بستر دگرگونی‌ها و معادلات پیچیده و گونه‌گون کنونی امکان‌پذیر می‌شود. این مهم نیز وابسته به درک درست و ارزیابی واقع‌بینانه از فرآیندهای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و امکان تأثیرگذاری بر آنها می‌باشد، و نیز نیازمند اتخاذ راهبردی مناسب در عرصه سیاست خارجی است. در کل می‌توان گفت نیل به هدف اساسی دگردیسی موقعیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، نیازمند در نظر گرفتن ابعاد گوناگون تنگنا ساز و فرصت‌سازی است که در این راه وجود دارد. (واعظی، ۱۳۸۶: ۵۳-۴۹)

۳. برش افقی در متن سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: گفتمان حاکم بر سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم: آرمان‌گرایی اصول‌محور

گفتمان حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره حاکمیت دولت‌های نهم و دهم با گفتمان آرمان‌گرایی اصول‌محور شناخته می‌شود. تسلط گفتمان آرمان‌گرایی اصول‌محور بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این دوره را می‌توان متأثر از عوامل متعدد داخلی و بین‌المللی از جمله مسأله هسته‌ای ایران، افزایش فشارهای بین‌المللی در این مورد و بازرسی‌های متعدد نمایندگان آژانس از مراکز فعال در امر فراوری هسته‌ای در کشور دانست. به‌طوری که رئیس‌جمهور، احمدی‌نژاد، بارها در سخنرانی‌های خود از عقب‌نشینی‌ها و سیاست مماشات رئیس‌جمهور خاتمی در این مورد انتقاد کرده و بر حقوق هسته‌ای کشور پافشاری نموده است. در همین راستا است که در دوره آرمان‌گرایی اصول‌محور شاهد تعلیق کلیه همکاری‌های داوطلبانه هسته‌ای با نهادهای بین‌المللی و جلوگیری از باج‌خواهی بیش

از اندازه کشورهای غربی، همراه با نوعی ابرام و ایستادگی بر حقوق هسته‌ای هستیم که سه قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد و تحریم‌هایی برای کشور تاکنون به دنبال داشته است. رادیکال شدن توسعه‌گرایی سیاست محور در قالب ترویج نوعی کثرت‌گرایی نسبی گرایانه در جامعه را، که به زعم آرمانگرایان اصول محور سبب زیر سوال بردن بسیاری از اصول می‌گردید، می‌توان به‌عنوان یک عامل دیگر طرح کرد.

تأکید دوباره رئیس‌جمهور، احمدی‌نژاد، بر محور رژیم اسرائیل از نقشه جهان در کنفرانس بین‌المللی هولوکاست در تهران در حضور جمعی از اندیشمندان خارجی و داخلی، برخوردی رادیکالی بود که بر مبنای ضدیت با ایالات متحده آمریکا و اسرائیل شکل گرفت. رئیس‌جمهور، احمدی‌نژاد، بارها مسأله محور اسرائیل را در سخنرانی‌های رسمی داخلی و بین‌المللی خود از جمله در سازمان ملل متحد و حتی در کنفرانس بین‌المللی سازمان خواروبار و کشاورزی جهان (فائو) در رم و در کنفرانس ضدنژادپرستی، مورد تأکید قرار داد. حمایت از جنبش حماس و حزب الله لبنان هم در این راستا کاملاً جای خود را در دیالوگ‌ها و سخنرانی‌های رسمی ریاست جمهوری و سایر مقامات اجرایی باز کرد.

بدین ترتیب می‌توان رادیکال شدن آرمان‌ها و تأکید بر اصول آن را از مشخصه‌های اصلی دوره آرمانگرایی اصول محور در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دانست.

مخالفت با یکجانبه‌گرایی هژمونیک ایالات متحده آمریکا در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، از دیگر مشخصات این دوره از سیاست خارجی کشور است که بر این مبنای بسیاری از رفتارهای سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم، را تبیین نمود. گسترش روابط با کشورهای آمریکای مرکزی و آمریکای لاتین مخالف آمریکا، حضور فعالانه در کنفرانس سران سازمان همکاری شانگهای (SCO) و تقاضای تبدیل وضعیت ایران از یک عضو ناظر به یک عضو دائم، پیشنهاد تشکیل اوپک گازی و سیاست نگاه به شرق در سیاست خارجی ایران در این دوره را می‌توان در این قالب تحلیل نمود.

اصول محوری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره آرمانگرایی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

(۱) ایستادگی و پافشاری بر حقوق هسته‌ای کشور و تحمل مشکلات ناشی از آن.

(۲) مخالفت اعلانی و اعمالی با سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه آمریکا در سطح بین‌المللی و خصوصاً

_____ بررسی عملکرد سیاست خارجی دولت های نهم و دهم در زمینه تأمین منافع ملی ◇

منطقه‌ای.

۳) رادیکال کردن آرمان‌ها از جمله محور رژیم اسرائیل از نقشه سیاسی جهان.

۴) حمایت از نهضت‌ها و جنبش‌های آزادیبخش در لبنان و فلسطین.

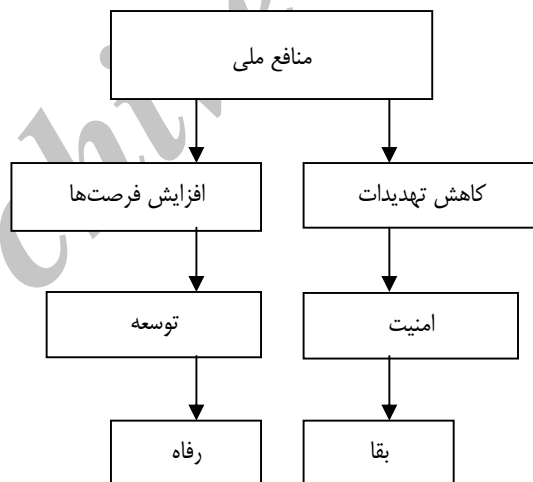
۵) اتخاذ رویکرد نگاه به شرق در سیاست خارجی و نزدیکی به چین و روسیه و کشورهای آمریکای لاتین.

۶) تأثیرپذیری رویکردهای سیاست خارجی از ضرورت‌های ایدئولوژیک بیش از تحولات محیط بین‌المللی.

الف. سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم و منافع ملی

منافع ملی اغلب با دو شاخصه کاهش تهدیدات و افزایش فرصت‌ها (امنیت و توسعه و یا بقا و رفاه) پیوند زده می‌شود، در واقع هر چه سیاست خارجی یک دولت به تولید و تقویت امنیت و توسعه یک کشور کمک بیشتری کند، می‌توان سیاست خارجی را موفقیت‌آمیز تلقی کرد. این محورها در نمودارهای شماره ۱ و شماره ۲ نمایش داده شده است.

نمودار ۱



◇ ۲۹

نمودار ۲

امنیت- بقا	توسعه- رفاه
بند اول از اصل ۲۸	بند نهم از اصل ۲۸
بند دوم از اصل ۲۸	بند دهم از اصل ۲۸
بند سوم از اصل ۲۸	اصل ۲۹
بند چهارم از اصل ۲۸	اصل ۳۱
بند پنجم از اصل ۲۸	اصل ۳۲
بند ششم از اصل ۲۸	اصل ۳۳
بند هفتم از اصل ۲۸	اصل ۳۳، فصل دوم
بند هشتم از اصل ۲۸	بند هـ، ماده ۳۳، فصل دوم
ماده هفتم، بخش ششم، فصل دوازدهم	ماده ۴۲، فصل اول

با مقایسه دو نمودار ۱ و ۲ می‌توان به این نتیجه رسید که اغلب اصول مندرج در برنامه‌ها و سیاست‌های کلی از دو بعد امنیتی- توسعه‌ای برخوردارند که تفکیک آنها به راحتی ممکن نیست. برای نمونه در تمامی بندهای اصل ۲۸ برنامه چهارم مانند گسترش همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی یا تلاش برای همگرایی بیشتر میان کشورهای اسلامی، حضور مؤلفه امنیت و توسعه به یک میزان قابل اعتناست، و به نظر نمی‌رسد نقش و ارتباط امنیت- توسعه را بدون فقدان هر یک بتوان به درستی ارزیابی نمود. (همان)

تاریخ توسعه در دوران پس از جنگ دوم جهانی به روشنی گواه آن است که یک کشور هر چند به لحاظ داخلی غنی باشد، توانایی تأمین تمامی منابع مورد نیاز خود را در روند توسعه ندارد. از این رو به‌ناگزیر باید بخشی از این منابع را از محیط بین‌المللی به‌دست آورد. اهمیت این امر از آنجا ناشی می‌شود که در نتیجه فرایند جهانی شدن، منابع بین‌المللی توسعه‌ای نقش اساسی در رشد و پیشرفت یک کشور پیدا کرده‌اند. از این نظر، سیاست خارجی دولت‌ها و نوع تعامل آنها با سایر کشورها می‌تواند نقش مهمی، در جذب این منابع بازی کند، از جنبه‌ای دیگر، کشوری که پیشبرد توسعه را گزینه استراتژیک

_____ بررسی عملکرد سیاست خارجی دولت های نهم و دهم در زمینه تأمین منافع ملی ◇

خود قرار می‌دهد، نیازمند محیط امنیتی با ثبات است، زیرا میان ثبات و امکان پیشبرد توسعه، رابطه مستقیم و تنگاتنگی وجود دارد. اگر آشوب و ناآرامی روندی چیره در محیط امنیتی بازیگر باشد، طبیعی است که بخش اصلی زمان و توان آن بازیگر برای رویارویی با تهدیدات محیطی از دست می‌رود و فرصتی برای پیشبرد توسعه باقی نمی‌ماند. به همین خاطر مهم‌ترین بازتاب‌های سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم در اینجا بررسی می‌شود و در پایان ابعاد امنیتی- توسعه‌ای آن طبقه‌بندی خواهد شد. بخشی از مهم‌ترین عناوین که در سیاست خارجی دولت نهم نقشی اساسی داشته‌اند و فضای گفتمانی دولت اصول‌گرا به آنها رنگ و بویی دیگر بخشیده در ادامه ارائه می‌گردد.

۴. سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم و بنیادی‌ترین اصول سند چشم‌انداز

اگر بخواهیم به‌ارزیابی سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم با محوریت امنیت- توسعه پردازیم، در حوزه امنیت پنج نکته قابل ذکر و در زمینه توسعه یازده مورد، قابل اشاره است.

الف. امنیت

۱) امنیتی شدن چهره جمهوری اسلامی ایران

در حالی که تا پیش از شکل‌گیری دولت‌های نهم و دهم تلاش زیادی برای غیرامنیتی کردن مساله ایران در سطح بین‌المللی صورت گرفته بود، طی دوره دولت‌های نهم و دهم با طرح برخی موضوعات غیرضروری مثل محو اسرائیل از نقشه جهان، مجدداً فرآیند امنیتی شدن ایران، تشدید شده است.

۲) تضعیف موقعیت و اعتبار جهانی

طی چند سال اخیر، به دلیل نوع عملکرد و ادبیات دولت‌های نهم و دهم، موقعیت و اعتبار جمهوری اسلامی ایران تا آنجا تضعیف شد که در مقطعی در فضای افکار عمومی جهانی، موضوع حمله به ایران به یک بحث عادی تبدیل گردید و قبح اخلاقی و هنجاری آن از میان رفت. در آخرین سال ریاست جمهوری بوش دیگر سخنی از مشروعیت و یا عدم مشروعیت حمله نظامی به ایران در میان نبود، بلکه مباحث عمدتاً حول چگونگی و کارآمدی یا عدم کارآمدی حمله به ایران دور می‌زد. حتی مخالفان جنگ هم از عدم مشروعیت جنگ احتمالی علیه ایران سخن نمی‌گفتند بلکه آن را ابزاری ناکارآمد برای تغییر

رفتار ایران تلقی می‌کردند.

۳) حقوقی شدن تهدیدها

در دوره دولت‌های نهم و دهم، مجموعه‌ای از قطعنامه‌های شورای امنیت به تهدیدها علیه ایران ابعاد حقوقی بخشیده است. در شرایط موجود، بر اساس قطعنامه‌های شورای امنیت و با توجه به تلقی آنها، ادعای مشروعیت فعالیت‌های هسته‌ای ایران نزد محافل حقوقی و رسمی بین‌المللی زیر سوال رفته است، زیرا این قطعنامه‌ها هر گونه توسعه و ادامه فعالیت هسته‌ای ایران را غیرقانونی می‌دانند. به علاوه، برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران نیز در اسناد بین‌المللی به‌ویژه قطعنامه‌های شورای امنیت مطرح و آمریکا و غرب به‌خواست خود برای زیر سوال بردن برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران در اسناد حقوقی بین‌المللی دست یافتند.

۴) کاهش انتخاب‌های استراتژیک ایران

طی دوره مذکور به دلیل سیاست‌های اتخاذ شده، حق انتخاب استراتژیک ایران بسیار محدود شده و به‌جز روابط با برخی کشورهای کم‌اهمیت آمریکای لاتین، ایران برای حل و فصل مسائل بین‌المللی خود ناگزیر به اتکا به حمایت کشورهای نظیر روسیه و چین شده است.

۵) تهدیدهای منطقه‌ای

در چند سال اخیر و با وجود اینکه سیاست‌های آمریکا در منطقه با شکست مواجه شد و فرصت‌های بزرگی برای ایران به‌وجود آمد، ولی تهدیدهایی علیه جمهوری اسلامی ایران در بسیاری از مناطق هم‌جوار افزایش پیدا کرد، از جمله: در عراق، خلیج فارس، افغانستان و سوریه.

ب. توسعه

میزان تأثیرگذاری سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم بر فرآیند توسعه اقتصادی کشور یکی دیگر از معیارهایی است که در روند ارزیابی سیاست خارجی باید مورد بررسی قرار گیرد. مهمترین معیار در این زمینه انطباق سیاست خارجی دولت نهم با اهداف توسعه‌ای سند چشم‌انداز بیست ساله و یا انحراف از آنها می‌باشد.

در اینجا بعضی از رفتارهای سیاسی دولت‌های نهم و دهم را در بازار جهانی تشریح کرده و عواقب

_____ بررسی عملکرد سیاست خارجی دولت های نهم و دهم در زمینه تأمین منافع ملی ◇

سیاست‌هایی که در عرصه‌های گوناگون اجتماعی خواهد گذاشت را شرح داده و در نهایت توصیف این نوع مدیریت که مغایر با اصول سند چشم‌انداز است را در یازده بند در ادامه می‌آوریم:

یکی از مواردی که در تحریم‌های اقتصادی علیه ایران در شورای امنیت تصویب شده، ممنوعیت نقل و انتقالات دلار و یورو است که خارج از قطعنامه ۱۹۲۹ در مورد ایران اجرایی شده، این امر خرید و فروش کالا را در دنیا برای ایران بسیار دشوار کرده است.

تحریم‌ها هزینه‌هایی به ویژه برای بخش اقتصادی کشور در پی داشته است. افزایش هزینه بنگاه‌های اقتصادی و حوزه کسب و کار به خصوص در بخش حمل و نقل، بیمه و مبادلات مالی یکی از عواقبی است که به محدود شدن فضای فعالیت اقتصادی کشور منجر گردیده است. مسأله اینجا است که هزینه‌هایی که در نتیجه تحریم‌ها به اقتصاد کشور تحمیل می‌شود، در بخش خصوصی و دولتی تأثیری برابر نخواهد داشت و به طور قطع بنگاه‌های خصوصی بیش از بخش دولتی متأثر از تحریم‌ها خواهند بود. به این ترتیب تحریم‌ها در نهایت به کاهش وزن بخش خصوصی در اقتصاد ایران منجر شده و مقدمه‌ای بر دولتی‌تر شدن اقتصاد ایران خواهند بود.

آثار زیانبار چنین شرایطی بر اقتصاد ملی، اشتغال و امنیت اجتماعی تحمیل می‌شود و سبب تعطیلی و یا نیم تعطیلی بسیاری از شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی می‌گردد، که نه تنها در نهایت به ایجاد یک موج مهاجرت جدید منجر می‌گردد، بلکه به هدر رفتن سرمایه‌گذاری است که صرف تحصیل و یا فن‌آموزی جوانان شده است. از دیگر آثار مشکلات اقتصادی ایجاد شده بر اثر تحریم‌ها، افزایش آمار بیکاری بوده است که به معنای از میان رفتن پتانسیل نیروی کار است که بخشی از آن در مدارس فنی و حرفه‌ای و دانشگاه‌های کشور تحصیل کرده‌اند. این امر امنیت اجتماعی و روانی جامعه را نیز به خطر انداخته است.

بر اساس تحریم‌ها از ابتدای جمهوری اسلامی تاکنون می‌شود به این نتیجه رسید که تحریم زمان جنگ با تحریم‌های دوره دولت نهم متفاوت است. اولاً بانی تحریم‌ها شورای امنیت سازمان ملل است و نه فقط آمریکا، از نظر تعداد نیز قابل مقایسه نیست و سرانجام اینکه در زمان جنگ تعداد کشورهایایی که امروز به دلیل اینکه بخشی از تحریم‌ها توسط سازمان ملل انجام شده است، یک اجماع جهانی علیه ایران به وجود آمده که نشان دهنده شکل گسترده‌تری از تحریم‌ها علیه ایران است. (www.ieis.ir)

با توجه به موارد فوق بندهای ذیل در زمینه توسعه قابل بیان هستند:

- (۱) تشدید تحریم‌های اقتصادی که نتیجه سیاست خارجی دولت نهم و دهم است، پیامدهای مختلفی بر وضعیت اقتصادی و روانی جامعه برجا گذاشته است.
- (۲) کاهش سطح سرمایه‌گذاری‌های خارجی به‌ویژه در بخش انرژی.
- (۳) کاهش سطح دسترسی به فناوری‌های پیشرفته.
- (۴) عدم ایجاد زیرساخت برای پیوندهای متقابل اقتصادی میان ایران و سایر کشورها.
- (۵) تضعیف موقعیت ایران در نهادهای اقتصادی بین‌المللی.
- (۶) فرار سرمایه‌های داخلی به خارج از کشور.
- (۷) تشدید فرار نخبگان به خارج از کشور.
- (۸) ایجاد تضییقات بی‌سابقه برای شهروندان، بانک‌ها و شرکت‌های ایرانی در خارج از کشور.
- (۹) افزایش نرخ خطرپذیری سرمایه‌گذاری خارجی در ایران.
- (۱۰) افزایش هزینه صادرات و واردات.
- (۱۱) عدم بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در اقتصاد جهانی.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه که آمد و در پاسخ به سوال تا چه اندازه عملکرد سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم تأمین‌کننده منافع ملی (امنیت و توسعه) بوده است؟ از بررسی‌های فوق می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که:

(۱) به نظر می‌رسد که در گفتمان سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم اهدافی که چراغ راهنمای عمل هستند، با برنامه‌ها و سازوکارهای عملیاتی خلط شده‌اند. رئیس‌جمهور، احمدی‌نژاد، در تبیین سیاست خارجی، اصل اول دیپلماسی دولت را «عدالت» دانسته و تأکید می‌کند که «ما به دنبال جهانی هستیم که مناسبات آن بر پایه عدالت تنظیم شده باشد. بدون عدالت، بشر روی آرامش و صلح پایدار را نخواهد دید... پیشبرد منافع ملی ایران هم در گروی اجرای عدالت است و اگر در جهان عدالت برپا شود، نقطه کمال منافع ملی را به‌دست خواهیم آورد.» (سخنرانی رئیس‌جمهور، ۱۳۸۷)

_____ بررسی عملکرد سیاست خارجی دولت های نهم و دهم در زمینه تأمین منافع ملی ◇

اگرچه آرزوی عدالت برای تمام جهانیان آرزوی بزرگی است که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی سرلوحه سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار داشته است، اما آنچه که دیپلماسی کشور در فرایند تأمین منافع ملی به آن نیاز دارد، چگونگی ارتقای امنیت و توسعه جمهوری اسلامی در جهان غیرعادلانه موجود است.

۲) این گفتمان بیش از آنکه به گفتمان سیاست خارجی یک دولت شباهت داشته باشد، بیشتر به بیانیه‌های مصلحانه شباهت دارد. مسائل مطرح شده در نامه نگاری‌های انجام شده با برخی از رهبران جهان و طرح موضوعات پیش‌گویانه با وظایف رئیس یک دولت که متعهد به پیشبرد اهداف و منافع کشور خود می‌باشد، سازگاری چندانی ندارد.

۳) تأکید بر اینکه قیمت نفت از صد دلار پایین‌تر نخواهد آمد و یا انتقاد از روند افزایش قیمت نفت و منتسب کردن آن به قدرت‌های بزرگ. به علت اینکه دلار و نفت از مهم‌ترین اهرم‌های بازار جهانی هستند. عواقب تخریب‌کننده‌ای بر تجارت جهانی ایران و منافع ملی برجای گذاشته است.

۴) عدم استفاده از ابزار قدرت نرم و دیپلماسی عمومی: یکی از ظرفیت‌های مهم برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی، استفاده از قدرت نرم و دیپلماسی عمومی است در این دوره اگرچه رئیس‌جمهور، احمدی‌نژاد، تلاش زیادی کرده است تا با سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های مختلف یک تنه دیپلماسی عمومی ایران را به پیش ببرد، اما این اقدامات به علت عدم جذابیت، ویژگی سلیبی، تکرار، شخص‌محوری و غیر علمی بودن تأثیر گذاری لازم را در بر نداشته است.

۵) تقلیل روابط خارجی ایران به روابط با کشورهایی که نمی‌توانند در تقویت جایگاه استراتژیک ایران در سطح بین‌المللی نقش مهمی ایفا کنند.

۶) فرو کاسته شدن منافع ملی به دیدگاه‌های شخصی و سلیقه‌ای، مثل قول برای برقراری روابط با مصر طی بیست و چهار ساعت.

۷) اتلاف بخش مهمی از انرژی و توانمندی دیپلماتیک ایران برای موضوعاتی که بیشتر جنبه شعاری دارند و نتیجه عملی برای سیاست خارجی ایران در بر نداشته‌اند.

۸) تخریب روابط ایران با بسیاری از کشورها و تضعیف جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی ایران. در حالی که در گذشته بسیاری از کشورها به دنبال گسترش ارتباطات با ایران بودند و ایران از موضع قدرت با آنها

برخورد می‌کرد. هم اکنون ایران به دنبال توسعه روابط با این کشورها می‌باشد که در اغلب موارد با عدم استقبال آنها مواجه می‌شود: نمونه این وضعیت را باید در روابط ایران با کشورهای عربی منطقه و همچنین پاکستان و هند مشاهده کرد.

۹) کاهش سطح تأثیرگذاری ایران بر شکل‌گیری روندها و رژیم‌های منطقه‌ای و بین‌المللی.
۱۰) عدم استفاده از فرصت‌های تاریخی که در این سال‌ها برای ایران به وجود آمده است. برخی از این فرصت‌ها عبارت بوده‌اند از: ناکامی‌های آمریکا در عراق و افغانستان، اختلافات عمیق آمریکا و روسیه، گزارش آژانس‌های اطلاعاتی آمریکا در مورد برنامه هسته‌ای ایران، پیروزی‌های تاریخی حزب الله در لبنان و حماس در نوار غزه، فرصت تاریخی برای ایفای نقش شیعیان در عراق و منطقه و نهایتاً، درآمد بی سابقه از فروش نفت.

۱۱) سیاسی و امنیتی شدن روابط خارجی ایران و تضعیف ابعاد اقتصادی و فرهنگی آن.
در مجموع با توجه به مواد یازده‌گانه فوق فرضیه این پژوهش به این ترتیب اثبات می‌شود که سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم نه تنها نتوانسته منافع ملی را ارتقا دهد بلکه باعث تضعیف آن نیز گشته است.

منابع فارسی

- برنز، اریک (۱۳۷۳)، *میثیل فوکو*، ترجمه بابک احمدی، تهران: نسل قلم.
- لطفی پور ساعدی، کاظم (۱۳۷۱)، «درآمدی بر سخن کاوی»، *مجله زیان‌شناسی*، بهار و تابستان.
- بهرام‌پور، شعبانعلی (۱۳۷۸)، «گفتمان و تحلیل گفتمان»، *مجموعه مقالات: درآمدهای بر تحلیل گفتمان*، تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
- راسخی، هوشنگ (۱۳۷۶)، «سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل»، *مجله سیاست خارجی*، سال یازدهم، شماره ۴، زمستان.
- دایک، ون (۱۳۸۲)، «مطالعاتی در تحلیل گفتمان»، *مجموعه مقالات مطالعه گفتمان*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.
- میرفخرایی، تارا (۱۳۸۳)، «فرایند تحلیل گفتمان»، *مجله مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها*، شماره ۵، زمستان.
- محمدی، منوچهر (۱۳۷۷)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشر دادگستر.
- مورو دولبن، لویی (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی اقتدار*، ترجمه علی سیلانیان طوسی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- دوئرتی، جیمز و رابرت فالتزگراف (۱۳۷۶)، *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: نشر قومس.
- لاریجانی، محمدجواد (۱۳۶۹)، *مقولاتی در استراتژی ملی*، تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.
- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۷۸)، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، انتشارات سمت.
- نکترلاین، دونالد (۱۳۵۶)، «منافع ملی و سیاست خارجی»، ترجمه محمد معتمدی، *مجله روابط بین‌المللی*، شماره ۱۰، پاییز.
- دلبلیو کلینتون، دیوید (۱۳۷۹)، *دو رویه منفعت ملی*، ترجمه اصغر افتخاری، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- موثقی، سید احمد (۱۳۸۳)، «توسعه: سیر تحول مفهومی و نظری»، *مجله دانشکده حقوق و علوم*

سیاسی، شماره ۶۳، بهار.

- تیاسن، آمار (۱۳۸۱)، *توسعه به مثابه آزادی*، ترجمه سید احمد موثقی، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

- شرابی، هشام (۱۳۸۰)، *پدرسالاری جدید*، ترجمه سید احمد موثقی، تهران: کویر.

- بوزان، بری (۱۳۷۸)، *دولت‌ها و هراس*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده راهبردی.

- روشه، گی (۱۳۷۹)، *کنش اجتماعی*، ترجمه هما زنجانی زاده، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

- واعظی، محمود (۱۳۸۶)، «راهبرد تعامل سازنده و الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا»، *مجموعه مقالات*، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

- *سخنرانی رئیس‌جمهور در جمع سفرای جمهوری اسلامی ایران*، ۲۱ مرداد ۱۳۸۷.

- <http://www.ieis.ir/files archive/854>

English Source

- Baylis, John and Steve Smith (1997), *Globalization of World Politics*, London: Oxford University Press.

- Walt, Stephen, M. (1988), "International Relations, One World, many Theories", *Foreign Policy*, No. 110, Spring.

- Woods, Ngair (ed.) (1977), *Explaining International Relations since 1945*, London: Oxford University Press.

- Foucault, Michel (1979), *Discipline and Punishment*, Translator: Alan Sheridan, London: Panguin.

- Ashley, Richard (1988), "Foreign Policy as Political Performances", *International Studies Notes*, No. 13, fall.